

تحلیل روایات نشانه «الموت الابيض» و تطبیق آن بر ویروس کرونا

خدا مراد سلیمیان^۱

تاریخ دریافت: ۹۹/۷/۳ تاریخ پذیرش: ۹۹/۹/۱۸

چکیده

در اخبار و روایات مربوط به آخرالزمان، سخنان پرشماری درباره حوادث مربوط به آینده یافت می‌شود. که البته همه آنها به دلیل پیشگویانه بودن، نیازمند دقت و بررسی‌های ژرف است تا درستی آن از نادرستی بازنمایی گردد. در این میان اما، یکی از پدیده‌هایی که در برخی روایات نشانه‌ها به آن اشارت شده، مرگ سفید: «= الموت الابيض»، به عنوان یکی از دو مرگ فراوان در کنار کشتارهای بزرگ، در دوران آخرالزمان و آستانه قیامت است. این مرگ سفید در دوره‌های گذشته بر برخی از مرگ‌ومیرهایی تطبیق شده است. و البته امروزه نیز با شیوع بیماری جهانی کووید ۱۹ / کرونا، برخی به تطبیق روایات مرگ سفید بر این پدیده دست زده‌اند. این پژوهش با طرح این پرسش که: روایات مزبور تا چه اندازه قابل اعتماد است و بر چه چیزی دلالت می‌کند؟ و این‌که آیا اساساً می‌توان بیماری همه‌گیر کرونا را بر روایات مزبور تطبیق کرد؟ براساس تحلیل روایی و نیز اشاره به برخی تطبیق‌ها در گذشته، ضمن اثبات عدم اعتبار لازم روایات از جهت سند، این تطبیق را بی‌پایه دانسته، این‌گونه کارها را آسیبی جدی در گستره آموزه‌های راستین مهدویت دانسته است. گواه روشن این‌که بیماری کرونا از خانواده ویروس‌هاست در حالی که برخی روایات یا راویان مرگ سفید را به طاعون تفسیر کرده‌اند که از خانواده باکتری‌ها است. واژگان کلیدی: مرگ سفید، الموت الابيض، آخرالزمان، کرونا، کووید ۱۹.

۱. استادیار پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی قم، ایران (kh.salimian@isca.ac.ir).

مقدمه

مهدویت به عنوان مجموعه‌ای از مباحث پیوسته به امام مهدی علیه السلام که مشتمل بر برخی پدیده‌های آخرالزمانی نیز است، همواره در کانون نگاه بسیاری از آینده‌پژوهان و آینده‌نگران و دوست‌داران این مباحث بوده است.

این پدیده‌های پیوسته، گرد حادثه «قیام جهانی موعود منجی» زنجیره‌ای از مباحث را سامان داده که فهم فراگیر آن نیازمند نگاهی گسترده و همه‌جانبه به همه پدیده‌ها است. پدیده‌هایی که گفته شده گویای نزدیک شدن و راست‌نمایی آن قیام جهانی خواهد بود. و این خود به عنوان کلیدی بر گشودن قفل آن آرمان دیرینه، در هر دوره‌ای به کار گرفته شده است. به‌ویژه آن‌گاه که عرصه بر انسان‌ها، بسیار تنگ شده، شدت مشکلات و نابه‌سامانی‌ها، آتش این آرمان‌خواهی و احساس نیاز به منجی را رو به فزونی برده است. به گونه‌ای که هر پدیده شگفت‌آور و شگرفی با اندک همانندی به روایات (معتبر و غیرمعتبر) نشانه‌ای - اگرچه پنداری - برای گشایش تنگناها پنداشته شده است و این تطبیق پاره‌ای نشانه‌ها بر برخی مصداق‌ها، چند صباحی مردمان را مشغول و اندیشمندان را دل‌مشغول کرده است.

گرفتاری‌های سخت، جنگ‌های پردامنه، بیماری‌های فراگیر و مانند آن و در یک سخن در اضطراب و تنگنا قرارگرفتن انسان‌ها، بر عطش منجی‌خواهی مردمان افزوده است تا جایی که در این حوادث نگاه امیدوارانه به یک نجات‌بخش زنده‌تر و روزافزون‌تر از هر زمان دیگر نمایان شده است.

و اما این روزها که بیماری منحوس و خطرناک جهانی کرونا بسیاری از فعالیت‌های بشری را به محاق برده و زندگی را بر بسیاری از مردمان سخت کرده، کسانی در پی این هستند که آیا این بلای الهی نشانه‌ای از نشانه‌های آخرالزمان، قیام مهدی علیه السلام و یا قیامت است؟ و البته کسانی نیز با طرح گمانه‌هایی به خاطر شباهت‌هایی بین کلیت این بیماری با «مرگ سپید» که در روایات آمده، خواسته‌اند این گمانه را القا کنند که کرونا همان مرگ سفید است.

... و این نگاشته بر آن است تا در پاسخ به این پرسش که: بین پدیده «کرونا» با آنچه در روایات به عنوان «الموت الابیض» مطرح شده چه پیوندی می‌توان تعریف کرد؟ به تبارشناسی روایات یادشده و دلالت آن بر این گمانه بر پایه سنجه‌های حدیث‌شناسانه بپردازد.

گفتنی است که در باره روایت یادشده و مباحث مربوط تاکنون به جر نقل روایات در کتاب‌ها پس از منابع روایی، تحلیل و بررسی در خوری دیده نشد. در این آثار به مناسبت برخی نشانه‌ها

به این روایت نیز اشاره شده است. کتاب‌هایی مانند: امام مهدی علیه السلام از ولادت تا ظهور؛ نوشته سید محمد کاظم قزوینی؛ دانش‌نامه امام مهدی علیه السلام جلد هفتم، اثر گروهی از نویسندگان؛ چشم‌اندازی به حکومت حضرت مهدی علیه السلام نوشته نجم‌الدین طبری؛ نشانه‌های حتمی ظهور، نوشته نصرت‌الله آیتی؛ ظهور نور، نوشته علی سعادت‌پرور؛ ظهور اسلام از دیدگاه اسلام، مذاهب و ملل، نگاشته اسدالله هاشمی شهیدی و نیز مقاله‌هایی مانند: آموزه‌های مهدویت و حقوق محیط زیست (انتظار موعود، پاییز و زمستان ۱۳۸۴، شماره ۱۷؛ ۲۲ صفحه از ۱۹۰ تا ۲۱۱)، تشکیل حکومت جهانی، چرا و چگونه؟ نوشته عزیزالله علیزاده (انتظار موعود، زمستان ۱۳۸۴؛ ۴۰ صفحه از ۱۰۵ تا ۱۴۴) و ...

ژرف‌اندیشی در این مقال مانند همه مباحث دانش بنیان دیگر نیازمند گام‌هایی بنیادین است. نخستین گام در این مسیر، آشنایی و بررسی واژگان و اصطلاحات این گستره است تا در پرتو آن فهم افزون‌تری در بحث به دست آید. و آنها عبارتند از:

۱. الموت الابيض (= مرگ سپید)؛ این ترکیب از دو کلمه موت (= مرگ) و ابیض (= سپید) تشکیل شده است. این ترکیب نه فقط در کتاب‌های لغت که در برخی روایات نیز تفسیر، تعریف و توصیف شده است.

گفتنی است که در برخی روایات مصداق آن را طاعون دانسته است. از آن جایی که این تطبیق فقط در برخی روایات آمده است، می‌توان آن را یک تفسیر اصطلاحی و نه یک ترجمه و تعریف لغوی دانست چرا که در نگاه راوی شناخته شده نبوده و امام آن را این‌گونه معنا می‌کند. و اگر چنانچه ذهن راوی به آن مأنوس بود، دیگر نیازی به پرسش از امام نبود. این منظور در کتاب لغت خود به نقل از ابن‌الاعرابی، آورده است که:

يقال للموت الفجأة الموتُ الأبیضُ و... (ابن منظور؛ ۱۴۱۴: ج ۲، ۶۶)؛

به مرگ ناگهانی مرگ سفید گفته می‌شود و ...

و در جایی دیگر همو با اشاره به روایتی این مرگ را از نشانه‌های قیامت دانسته که قیامت بر پا نمی‌شود مگر آن‌که این پدیده رخ خواهد داد. چنین نگاشته است:

وفي الحديث: لا تقوم الساعة حتى يظهر الموتُ الأبیضُ والأحمرُّ؛ الأبیضُ ما يأتي فجأةً ولم يكن قبله مرض يغير لونه، والأحمرُّ الموتُ (همان؛ ج ۷، ۱۲۵).

زیبیدی نیز در تاج‌العروس پس از اشاره به حدیث یادشده به معنای الموت الابيض این‌گونه اشاره کرده است:

لَا تَقُومُ السَّاعَةُ حَتَّى يَظْهَرَ «الْمَوْتُ الْأَبْيَضُ وَالْأَحْمَرُ»، الْأَبْيَضُ: «الْفَجَاءَةُ»، أَيْ مَا يَأْتِي فَجَاءَةً
وَلَمْ يَكُنْ قَبْلَهُ مَرَضٌ يَغْيِرُ لَوْنَهُ. وَالْأَحْمَرُ: الْمَوْتُ بِالْقَتْلِ لِأَجْلِ الدَّمِ (زبيدي، ۱۴۱۴: ج ۱۰،
۱۸)؛

قیامت برپا نمی‌شود تا آن‌که آشکار شود مرگ سفید و سرخ. سفید مرگ ناگهانی است که
پیش از آن بیماری سراغ شخص نیامده تا رنگ او را عوض کند و مرگ سرخ با کشته شدن
است به خاطر قرمزی خون.

۲. نشانه‌های قیام امام مهدی علیه السلام؛ در آموزه‌های مهدوی، واژه قیام برای شناساندن مفهوم
انقلاب جهانی حضرت مهدی علیه السلام - به‌ویژه در منابع شیعه - به کار می‌رود. واژه قیام، به معنای
«ایستادن» و در برابر «نشستن» است. (ابن منظور، ۱۴۱۴: ج ۵، ۳۴۵؛ طریحی، ۱۴۱۵: ج ۳،
۱۵۳۱) و در اصطلاح، عبارت است از: نهضت جهانی حضرت مهدی علیه السلام برابر ستمگران، برای
برپایی قسط و عدل بر زمین.

نکته قابل تأمل این‌که روایت‌هایی به رخدادها قبل از ظهور اشاره کرده‌اند. درباره آنها چند
دیدگاه وجود دارد. برخی آنها را نشانه قبل از ظهور دانسته برخی قبل از قیام برخی آنها را
رخدادهای تاریخی و ملاحم دانسته‌اند. که نگارنده در اثری مفصل با نام بررسی تحلیلی
روایات نشانه‌های ظهور بحث کرده است. در این‌جا دیدگاه پذیرفته نشانه‌های پیش از قیام
است. و اما «نشانه‌های قیام» آن دسته از پدیده‌هایی هستند که بر پایه پیش‌بینی
معصومان علیهم السلام پیش و یا در آستانه ظهور حضرت مهدی علیه السلام، پدید خواهند آمد. که پدیدار شدن
هریک از آنها نویدی از نزدیک‌تر شدن ظهور قائم علیه السلام است، (ر.ک: آیتی، ۱۳۹۰: ۱۵) به گونه‌ای
که با پدید آمدن همه رخداد‌های پیشگویی‌شده و در پی آخرین نشانه ظهور، آن حضرت قیام
خواهد کرد (گروهی از نویسندگان، ۱۳۸۲: ۲۴۵).

۳. نشانه‌های قیامت؛ در برخی روایات گروهی از پدیده‌ها، نشانه پیوسته به رستاخیز بزرگ
دانسته شده و از آنها با عنوان (أشراط الساعة) یاد شده است.

أشراط جمع «شَرَط» به معنای نشانه (فخرالدین طریحی، ۱۴۱۵: ج ۲، ۹۴۲) و یا سرآغاز يك
چیز و «الساعة» بخشی از بخش‌های شبانه‌روز است و مقصود از آن در این‌جا قیامت (=
رستاخیز) است؛ به خاطر این‌که وقوع آن ناگهانی است. یا این‌که درازای آن نزد خداوند مانند
ساعتی از ساعت‌های بندگان است (همان: ۹۰۷).

مراد از (أشراط الساعة)، نشانه‌هایی است که پیش از برپایی رستاخیز یا در آستانه آن، پدید

خواهند آمد (خلیل بن احمد، ۱۴۰۹: ج ۶، ۲۳۵).

۴. **کرونا / کووید ۱۹**: کرونا ویروس جدید (CoV) نوعی جدید از ویروس است. بیماری ایجاد شده با ویروس کرونا که به آن بیماری کرونا ۲۰۱۹ (COVID-19) می‌گویند، اولین بار در ووهان چین شناسایی شد؛ CO مخفف کرونا، VI مخفف ویروس و D به معنی بیماری (در انگلیسی). قبلاً به این بیماری «کرونا ویروس جدید ۲۰۱۹» یا «nCoV-2019» می‌گفتند.

ویروس COVID-19 ویروس جدیدی بوده و به خانواده ویروس‌هایی هم‌چون سارس (سندروم تنفسی حاد) و سایر سرماخوردگی‌های معمولی مرتبط است. ویروس از طریق تماس مستقیم با قطره‌های تنفسی فرد آلوده (از طریق سرفه و عطسه) و تماس با سطوح آلوده به ویروس منتقل می‌شود. ویروس COVID-19 می‌تواند ساعت‌ها روی سطوح زنده بماند، ولی یک ضد عفونی ساده می‌تواند آن را از بین ببرد.

علائم شامل تب، سرفه و تنگی نفس است. در مواد حادث‌تر عفونت می‌تواند منجر به سینه‌پهلو (پنومونی یا همان عفونت ریه) یا مشکلات تنفسی گردد. در موارد نادر این بیماری کشنده خواهد بود.^۱

این بیماری امروز همه مردم کشورهای جهان را درگیر خود کرده به گونه‌ای که میلیون‌ها نفر بدان مبتلا شده‌اند اگرچه خوشبختانه درصد بالایی از مبتلایان بهبود یافته‌اند اما صدها هزار نفر نیز بر اثر این بیماری جان خود را از دست داده‌اند. از این رو می‌توان آن را به نوعی بلای الهی شبه طاعون و دیگر بیماری‌های مسری دانست.

۵. **طاعون**: طاعون یک عفونت باکتریایی شدید است. باکتری پرسینیاپستیس سبب بروز این بیماری می‌شود. این بیماری یک بیماری مشترک میان انسان و حیوان است. این بیماری علائم ویژه‌ای دارد، مهم‌ترین آنها بزرگ شدن غدد لنفاوی در ران و کشاله ران است. دیگر علامت ممکن است بین تمام بیماری‌های مشترک باشند.

این بیماری به شدت مسری است و اگر فردی مبتلا به بیماری طاعون باشد این بیماری را به دیگران نیز انتقال می‌دهد.

پس از ورود این باکتری به بدن انسان ۲ تا ۶ روز طول می‌کشد تا این بیماری بروز پیدا کند. علائم این بیماری تب و لرز شدید، درد عضلات و مفاصل، سرگیجه و سردرد شدید است.^۲

1. www.unicef.org/iran/press-releases

2. <https://fa.wikipedia.org>

در این جا با توجه به توضیحات یادشده، ذکر این نکته بایسته است که بین کرونا و طاعون تفاوت‌های اساسی وجود دارد که برجسته‌ترین آنها این است که کرونا بیماری ویروسی است در حالی که طاعون یک بیماری باکتریایی است.

نشانه‌ها و تطبیق آن بر پدیده‌ها

بی تردید برای بیشتر حوادث بزرگ، نشانه‌هایی وجود دارد. به ویژه آن که پدیده‌ای در زندگی عموم انسان‌ها نقشی اساسی داشته باشد. مانند: قیام موعود منجی که تلاش خواهد کرد تا همه نابه‌سامانی‌های بشری را سامان نماید. از این رو هرگاه این نابه‌سامانی‌ها رو به فزونی می‌رود اشتیاق به منجی نیز بروز بیشتری پیدا می‌کند.

از نشانه‌هایی که در پاره‌ای احادیث ذکر شده مرگ و میرهای فراوان در آستانه قیام مهدی علیه السلام و نیز قیامت است. (صدوق، ۱۳۹۵: ج ۲، ۶۵۵-۶۵۶، ح ۲۹؛ راوندی، ۱۴۰۹: ج ۳، ۱۵۵؛ نعمانی، ۱۳۹۷: ۲۷۴، ب ۱۴، ح ۵۴؛ طوسی، ۱۴۱۱: ۴۵۹) که در برخی از روایات به طور صریح از آنها با عنوان مرگ سفید و سرخ یاد شده است.

پدیده جهانی کرونا که در دوران معاصر ذهن همه مردم دنیا را به خود مشغول کرده و انسان‌های فراوانی را به کام مرگ کشانده یکی از حوادثی است که به خاطر برخی از شباهت‌ها کسانی آن را همان مرگ سفید در روایات پنداشته‌اند. اما این تطبیق تا چه اندازه علمی و قابل قبول است نیازمند بررسی عالمانه روایات این بحث است.

بایسته است توجه شود که این تطبیق اگرچه ممکن است به خطا با اندک شبهاتی به ذهن بیاید اما بررسی‌ها گویای آن است که منطبق دانستن آن بر نشانه یاد شده بیشتر به سبب غفلت و عدم توجه به همه شرایط از جمله از چیستی و چگونگی آن نشانه‌ها است.

سوگ‌مندانه آگاهی‌های واقعی برخی از مردم به نشانه‌های قیام مهدی علیه السلام بسیار اندک است و همین نادانی سبب شده تا کسانی با کمترین شباهتی در فرد یا پدیده‌ای با آنچه در روایات آمده اقدام به تطبیق کنند. و البته در این میان نابه‌سامانی‌های اجتماعی و اقتصادی و تشدید نگاه افراطی به منجی زمینه را تشدید کرده است.

و نیز باید توجه داشت در همواره تاریخ افراد فراوانی برخی افراد و پدیده‌هایی را بر روایات نشانه‌ها منطبق دانسته‌اند که البته پس از گذشت یک بازه زمانی و اتفاق نیفتادن ظهور بسا آسیب‌هایی را در پی داشته‌اند.

به عنوان نمونه علامه مجلسی در کتاب رجعت دو حدیث را منطبق با دولت صفوی دانسته، در مقدمه کتاب بر این دیدگاه است که ائمه اهل البیت علیهم السلام به ظهور این دولت علیه خبر داده‌اند و به اتصال این سلطنت بهیه به دولت قائم آل محمد صلی الله علیه و آله شیعیان را بشارت فرموده‌اند (مجلسی، ۱۳۸۶ ش: ۵۰).

وی در پایان ترجمه و شرح حدیث دوم تصریح کرده که بشارت به تعجیل ظهور حضرت صاحب الزمان علیه السلام و اتصال به این دولت دین پرور به دولت حق امام البشر از آخر حدیث ظاهر است (همان: ۵۴).

البته در دوران معاصر نیز به سبب افزایش علاقه مندی به مباحث مهدویت، تطبیق برخی نشانه‌ها بر مصداق‌های بیرونی رو به افزایش نهاده است. که از برجسته‌ترین آنها به احتمال‌هایی که برخی از نویسندگان به‌ویژه درباره نشانه بودن انقلاب اسلامی داده‌اند، می‌توان اشاره کرد.

علی کورانی، از نویسندگانی است که در کتاب *عصر ظهور*، و نیز فتاوی در کتاب *ثورة المومنین للمهدی فی ضوء احادیث اهل السنة* تلاش کرده‌اند بیش از دیگران انقلاب اسلامی ایران را با برخی روایات مربوط به نشانه منطبق نمایند (کورانی، ۱۳۸۲: ۲۵۴).

هرچند نویسنده در چاپ‌های پس از آن تا اندازه‌ای واژه‌های صریح را حذف کرده و نیز در مصاحبه‌ای درباره تطبیق پرچم‌های خراسان بر انقلاب اسلامی ایران گفته است:

من تطبیق قطعی نکرده‌ام، بلکه ترجیح دادم، البته در صورت تجدید چاپ تذکر می‌دهم که بعضی از احتمالات، ظنی است (کورانی، ۱۳۸۰: ۶۱).

اما هم‌چنان سایه تطبیق‌ها بر سر نوشتار وی به چشم می‌آید.

بررسی‌ها گواه آن است که همه آنچه تا کنون به عنوان مصداق نشانه‌های حتمی ظهور مطرح شده است به انجام نرسیده است چرا که لازمه درستی آنها آن است که می‌بایست تا اکنون ظهور تحقق یافته باشد در حالی که چنین نشده است.

گفتنی است که این پندارها در تطبیق حوادث بر نشانه‌ها با هر انگیزه‌ای که انجام شود، می‌تواند پی‌آمدهای زیان‌باری را در پی داشته باشد که از برجسته‌ترین آنها می‌توان به بی‌اعتمادی به روایات راستین و سر برآوردن مدعیان دروغین اشاره کرد.

بنابراین باید توجه داشت بسیاری از پدیده‌هایی که به وجود می‌آیند ممکن است به یکدیگر شباهت‌هایی داشته باشند. از آنجایی که نشانه‌های ظهور هدفی بس سنگین را دنبال می‌کنند به شباهت اندکی پذیرفتنی نخواهند بود و می‌بایست به طور کامل و دقیق با

پیشگویی که در روایت معصومان علیهم‌السلام آمده است مطابقت داشته باشد و گرنه از کارکرد بایسته خود دور شده‌اند.

بنابراین پیش از هر داوری می‌بایست همه روایاتی که به پدیده مرگ سفید اشاره کرده‌اند بررسی شود.

گونه‌شناسی روایات الموت الابيض

در روایات اسلامی به‌طور اساسی آن‌گاه که از «مرگ سفید» به عنوان نشانه، سخن به میان آمده است، در رابطه با دو پدیده مطرح شده است: قیامت و قیام مهدی موعود.

دسته نخست

این مضمون فقط در دو روایت از منابع اهل سنت نقل شده است و از آن حکایت دارد که در آستانه برپایی قیامت به مرگی فراگیر بدون علتی از بیماری و مانند آن از دنیا می‌روند. این روایات از این قرارند:

روایتی که نخستین بار در کتاب *الفایق فی غریب الحدیث*، زمخشری (م/۵۳۸ق) بدون ذکر سند این‌گونه از رسول گرامی اسلام صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم نقل شده و پیش از آن در آثار در دست دیده نشد:

لا تقوم الساعة حتى يظهر الموت الأبيض قالوا: يا رسول الله وما الموت الأبيض؟ قال: موت الفجاءة (زمخشری، ۱۴۱۷: ج ۱، ۱۲۶)؛

قیامت برپا نمی‌شود تا آن‌که آشکار شود مرگ سفید و سرخ؛ سفید آن است که ناگهانی باشد.

پس از او ابن اثیر (م/۶۰۶ق) در *النهابة*، روایت را با اندک تغییری این‌گونه نقل کرده است:

... [لا تقوم الساعة حتى يظهر الموت الأبيض والأحمر] الأبيض ما يأتي فجأة ولم يكن قبله

مرض يغير لونه... (ابن اثیر، ۱۳۹۹: ج ۱، ۴۵۱).

که به نظر می‌رسد بخش پایانی حدیث با توجه به حدیث زمخشری، افزوده شده است. از کلمه ظهور به معنای آشکار شدن به دست می‌آید که دو نوع مرگ در آستانه قیامت در حجم بسیار گسترده‌ای است که به روشنی به چشم می‌آید و گرنه پیش از آن و در همه دوران‌ها به‌طور معمول انسان‌هایی به مرگ طبیعی و یا کشته شدن نیز از دنیا می‌رفته‌اند.

به نظر می‌رسد احتمال این‌که هر دو، یک روایت باشد دور از ذهن نخواهد بود. ضمن این‌که از این روایت استفاده نمی‌شود که مرگ سفید به معنای مردن با یک بیماری همه‌گیر به‌ویژه

این که از نقل ابن اثیر مرگ سفید را می توان مرگی بدون سبب بیماری دانست .
افزون بر آن این که کسی این روایات را بر مصداقی در آستانه قیام مهدی علیه السلام تطبیق
نکرده است .

البته متقی هندی، در روایتی از جابر - بدون اشاره به زمان این پدیده و ارتباط آن با قیامت -
این گونه نقل کرده است:

كيف بكم إذا أظلكم الموت الأبيض موت الفجأة (متقی هندی، ۱۴۰۹: ج ۱۵، ۶۹۳):
چگونه خواهید بود آن گاه که مرگ سفید که همان مرگ ناگهانی است شما را دریاورد.

دسته دوم

دسته دوم روایاتی که مرگ سفید را مطرح کرده اند آن را در پیوند با ظهور و قیام جهانی
مهدی علیه السلام دانسته آن را بخشی از مرگ و میرهای فروان و گسترده معرفی کرده است .
برخی از کسانی که این روایات را نقل کرده اند از این قرارند:

یک) نخستین کسی که دو روایت مشتمل بر «مرگ سفید» در آستانه قیام مهدی علیه السلام را نقل
کرده، نعمانی در کتاب *الغیبه*، است . در روایت نخست این کتاب چنین می خوانیم:

أخبرنا علي بن الحسين قال أخبرنا محمد بن يحيى عن محمد بن حسان الرازي عن محمد بن
علي الكوفي عن إبراهيم بن أبي البلاد عن علي بن محمد بن الأعمش الأزدي عن أبيه عن جده
قال قال أمير المؤمنين عليه السلام بين يدي القائم مؤت أحمرو مؤت أبيض وجراد في حينه وجراد
في غير حينه أحمرو كالدّم فأما المؤت الأحمرو فبالسيف و أما المؤت الأبيض فبالطاعون؛
امیرالمؤمنین علیه السلام فرمود: پیشاپیش قائم مرگ سرخ و مرگ سفید و ملخی فصلی و ملخی
غیرفصلی که هم چون خون سرخ رنگ است خواهد بود اما مرگ سرخ به وسیله شمشیر
است و اما مرگ سفید یعنی طاعون (نعمانی، ۱۳۹۷: ۲۷۷).

البته در برخی از نسخه ها به این صورت آمده است:

وأما الموت الأبيض فبالطاعون (همان: ۲۷۸، پاورقی ۱).

که معنای آن متفاوت از نقل نخست می شود. در نقل نخست مرگ سفید همان طاعون
دانسته شده است در حالی که در نقل برخی نسخه ای دیگر آن مرگی دانسته شده که به سبب
طاعون ایجاد خواهد شد.

اگرچه در سند حدیث، محمد بن یحیی العطار؛ از نظر نجاشی ثقه است (نجاشی، ۱۴۰۷:
۳۵۳، ۹۴۶) و شیخ طوسی به این نکته که کلینی از او روایات فراوانی نقل کرده، اشاره کرده

است (طوسی، ۱۴۱۵: ۴۳۹، ش ۶۲۷۴-۲۴) ابن داود (ابن داود، ۱۳۹۲: ۳۴۰) و علامه حلی نیز وی را ثقه دانسته‌اند (حلی، ۱۴۱۷: ۱۵۷).

اما درباره محمدبن حسان الرازی نجاشی از وی به عنوان راوی از ضعفا (نجاشی، ۱۴۰۷: ۳۳۸، ش ۹۰۳؛ ابن غضائری، ۱۴۲۲: ج ۱، ۹۵) و ابن داود از وی با عنوان «ضعیف جداً» یاد کرده‌اند (ابن داود، ۱۳۹۲: ۵۰۲، ش ۴۲۷).

و محمدبن علی الکوفی را نجاشی، «جداً ضعیف و فاسد الاعتقاد» دانسته (نجاشی، ۱۴۰۷: ۳۳۲، ش ۸۹۴). به شهرت وی به دروغ‌گویی در کوفه و غلو او در قم اشاره می‌کند. شیخ طوسی پس از اشاره به کتاب‌های وی به پاره‌ای از موارد ضعف مانند: تخلیط، غلو، تدلیس اشاره کرده است (طوسی، بی تا: ۴۱۲، ش ۶۲۵).

گفتنی است که عده‌ای قائل‌اند همان‌طور که مرحوم آیت‌الله خوئی رحمته‌الله در معجم الرجال آورده است، محمدبن علی الکوفی در روایات مهدویت، غیر از آن شخصی است که فضل بن شاذان او را کذاب می‌داند (خویی، ۱۴۰۳: ج ۱۷، ۵۴-۵۵) و در نتیجه این روایات از این جهت، دچار مشکل نیست. ولی باید توجه داشت که دیدگاه مرحوم آیت‌الله خویی رحمته‌الله، دیدگاهی اجتهادی است و نظر او در مورد راویان، عن حسنی نیست، بلکه عن حدسی است. بنابراین، سخن این بزرگوار در صورتی برای ما حجت است که ما نیز با دلائل یا شواهدی که ایشان آورده‌اند، موافق باشیم؛ در غیر این صورت، سخن ایشان برای ما حجت نمی‌باشد. علاوه بر این که اگر این شخصیت غیر از محمدبن علی الکوفی معروف است، وضعیت وی به چه صورتی است؟ و آیا توثیقی برای او وارد شده است؟ که این چنین نیست (حسنی، ۱۳۹۶: ۸۹).

البته ابراهیم بن اَبی‌البلاذ نیز توثیق شده است (نجاشی، ۱۴۰۷: ۴۴۵، ش ۱۲۰۵). ضمن این که درباره علی بن محمد بن الأعلَم الأزدی گفته شده از دوسنداران امیرمؤمنان علیه السلام بوده است و مفید در الاختصاص آن را (العلم الأزدی) (مفید، ۱۴۱۳: ۳ و ۷) ضبط کرده است. با توجه به اوصافی که درباره برخی از افراد سند روایت شده است، روایت دارای اعتبار نیست.

ضمن با توجه به هر دو نقل بر فرض پذیرش روایت آنچه از آن با عنوان مرگ سفید یاد شده و یا این که سبب مرگ سفید می‌شود طاعون است و تطبیق آن بر بیماری دیگری نیازمند دلیل است.

در این جا ممکن است کسی بگوید در روایت، موت ابیض بر طاعون تطبیق شده و معنای

آن این نیست که معنای موت ابیض طاعون است. بلکه از باب تطبیق عنوان بر مصداق بارز قابل فهم است. شاهد این نکته این است که همین موت ابیض در روایت اهل سنت بر «موت فجأه» تطبیق شده است. بنابراین این احتمال تقویت می شود که حمل موت ابیض بر طاعون خصوصیتی بر آن ندارد و با توجه به فهم عمومی در آن زمان صورت گرفته است پس در هر زمانی می تواند مصداق دیگری داشته باشد. و روایت دوم نعمانی شاهدهی گویا بر این احتمال است. با این احتمال موت ابیض قابل تطبیق بر کرونا هم خواهد بود و ویروس و باکتری بودن هم دخالتی ندارد.

در پاسخ گفته می شود: سخن متینی است اما با توجه به قرینه و بخش نخست روایت که مرگ سرخ را در قتل با شمشیر تعریف کرده، اگرچه لزوماً فقط شمشیر آلت قتل خونین به شمار نمی آید، اما براساس انس مخاطب آن را نماد قتل دانسته است. پس طاعون نیز نماد مرگ سفید معرفی شده است.

و در روایت دوم می خوانیم:

أَخْبَرَنَا عَلِيُّ بْنُ الْحُسَيْنِ قَالَ حَدَّثَنَا مُحَمَّدُ بْنُ يَحْيَى الْعَطَّارُ قَالَ حَدَّثَنَا مُحَمَّدُ بْنُ حَسَّانَ الرَّازِيُّ قَالَ حَدَّثَنَا مُحَمَّدُ بْنُ عَلِيٍّ الْكُوفِيُّ قَالَ حَدَّثَنَا عَبْدُ اللَّهِ بْنُ جَبَلَةَ عَنْ عَلِيِّ بْنِ أَبِي حَمْرَةَ عَنْ أَبِي بَصِيرٍ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام قَالَ: قُلْتُ لَهُ جُعِلْتُ فِدَاكَ مَتَى خُرُوجُ الْقَائِمِ عليه السلام فَقَالَ يَا أَبَا مُحَمَّدٍ إِنَّا أَهْلُ بَيْتٍ لَا نُؤَقَّتْ وَ قَدْ قَالَ مُحَمَّدٌ عليه السلام كَذَبَ الْوَقَائِثُونَ يَا أَبَا مُحَمَّدٍ إِنَّ قُدَّامَ هَذَا الْأَمْرِ خَمْسَ عَلَامَاتٍ أَوْلَاهُنَّ التِّدَاءُ فِي شَهْرِ رَمَضَانَ وَ خُرُوجُ السُّفْيَانِي وَ خُرُوجُ الْحُرَّاسَانِي وَ قَتْلُ النَّفْسِ الرُّكْبِيَّةِ وَ حَسْفٌ بِالْبَيْدَاءِ ثُمَّ قَالَ يَا أَبَا مُحَمَّدٍ إِنَّهُ لَا يَبْدَأُ أَنْ يَكُونَ قُدَّامَ ذَلِكَ الطَّاعُونَانِ الطَّاعُونُ الْأَبْيَضُ وَ الطَّاعُونُ الْأَحْمَرُ قُلْتُ جُعِلْتُ فِدَاكَ وَ أَيُّ شَيْءٍ هُمَا فَقَالَ أَمَّا الطَّاعُونُ الْأَبْيَضُ فَالْمُتَوَاتِرُ الْجَارِفُ وَ أَمَّا الطَّاعُونُ الْأَحْمَرُ فَالسَّيْفُ وَ... (نعمانی، ۱۳۹۷: ۲۹۰).

[اما] طاعون سفید مرگ همه گیر و عمومی است و اما طاعون سرخ همان شمشیر است و قائم خروج نمی کند تا آن که در دل آسمان در شب بیستم و سوم [ماه رمضان] شب جمعه او به نام خوانده شود، عرض کردم: به چه چیز خوانده می شود (مضمون آن آواز چیست) فرمود: به نام خودش و به نام پدرش ندا برآید که: «توجه کنید همانا فلانی فرزند فلانی قائم آل محمد عليه السلام است به سخن او گوش فرا دهید و از او فرمانبرداری کنید» پس هیچ چیز که خداوند در آن روح آفریده باشد باقی نمی ماند مگر این که آن صیحه را می شنود، و خفته را بیدار می کند و به صحن خانه اش بیرون آید، و دختر باکره را از پس پرده اش بیرون می آورد، و قائم از آن آواز که می شنود خروج می کند و آن صیحه جبرئیل عليه السلام است.»

به نظر می‌رسد در این جا طاعون نماد مرگ فراگیر دانسته شده است به قرینه دیگر روایاتی که به جای طاعون، موت آمده است. و البته تصحیف در این روایت و تغییر کلمه موت به طاعون دور از ذهن نمی‌نماید.

درباره سند روایت افزون بر اشکالات سند روایت نخست، دربارهٔ عبد الله بن جبلة، نجاشی وی را فقیه‌ی واقفی و ثقه مشهور معرفی کرده است (نجاشی، ۱۴۰۷: ۲۱۶، ش ۵۶۳). و اما علی بن ابی حمزة از بزرگان واقفیه است (همان: ۲۴۹، ش ۶۵۶). دانشمندان رجال او را توثیق نکرده‌اند. و علامه در خلاصه وی را به شدت تضعیف کرده است (حلی، ۱۴۱۷: ۹۶، ش ۲۹). مرحوم خوئی^{علیه السلام} پس از نقل کلام علامه حلی و برخی دیگران و نیز سخن کسانی که وی را توثیق کرده‌اند و ردّ دلیل‌های آنها نتیجه می‌گیرد که نمی‌توان به وثاقت او حکم کرد (خویی، ۱۴۱۰: ج ۱۱، ۲۲۶).

البته استاد نجم‌الدین طبسی در این باره می‌نویسد:

دیدگاه ما تا سال ۱۴۲۹ قمری همین بود ولی در سال ۱۴۲۹ در درس خارج فقه طی دو هفته بحث و بررسی در دیدگاه خود تجدیدنظر کرده و او را ثقه می‌دانیم و روایت را به لحاظ این راوی مردود نمی‌دانیم (طبسی، ۱۳۸۸: ۷۷).

در سند روایت ابی بصیر است که به نظر می‌رسد کتبه چند نفر از راویان شیعه می‌باشد؛ اما شهرت و روایات ابوبصیر یحیی اسدی بیش از دیگران است. در موضوع نشانه‌های ظهور هم راوی اکثر روایات ابوبصیر، علی بن ابی حمزه بطائنی است و نجاشی می‌گوید:

بطائنی عصاکش ابوبصیر یحیی بن قاسم بود (همان).

مقام ابوبصیر به اندازه‌ای است که نیاز به توضیح ندارد. او از چهره‌های سرشناس شیعه و شخصیتی موجه و مؤثق از راویان امام باقر و امام صادق^{علیهم السلام} و از اصحاب اجماع است. البته اشکال روایات ابوبصیر در علائم ظهور از آن جهت است که همه آنها را - به جز چند مورد - علی بن ابی حمزه بطائنی گزارش می‌کند (ر.ک: نعمانی، ۱۳۹۷: ۲۵۹، ۲۶۲، ۲۷۰، ۲۷۱ و ۲۷۶؛ طوسی، ۱۴۱۱: ۴۴۹، ۴۵۳ و ۴۶۰).

دربارهٔ این دو روایت نکات قابل توجه این‌که این روایات به این صورت نخستین بار در کتاب *الغیبه* نعمانی نقل شده است. ضمن این‌که هر دو روایت از جهت سند به دلیل حضور برخی افراد ضعیف دارای اعتبار نیست.

پس از نعمانی، شیخ صدوق در کتاب خود روایتی را با مضمون مرگ سفید در آستانه قیام

مهدی علیه السلام این گونه نقل کرده است:

وَبِهَذَا الْإِسْنَادِ [حَدَّثَنَا مُحَمَّدُ بْنُ الْحَسَنِ رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ قَالَ حَدَّثَنَا الْحُسَيْنُ بْنُ الْحَسَنِ بْنِ أَبَانَ] عَنِ الْحُسَيْنِ بْنِ سَعِيدٍ عَنْ صَفْوَانَ بْنِ يَحْيَى عَنْ عَبْدِ الرَّحْمَنِ بْنِ الْحَجَّاجِ عَنْ سُلَيْمَانَ بْنِ خَالِدٍ قَالَ سَمِعْتُ أَبَا عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام يَقُولُ قَدَامَ الْقَائِمِ مَوْتَتَانِ مَوْتُ أَحْمَرٍ وَمَوْتُ أبيضٍ حَتَّى يَذْهَبَ مِنْ كُلِّ سَبْعَةِ حَمْسَةَ الْمَوْتُ الْأَحْمَرُ السَّيْفُ وَالْمَوْتُ الْأَبْيَضُ الطَّاعُونَ (صدوق، ۱۳۹۵: ج ۲، ۶۵۵)؛

سلیمان بن خالد گوید از امام ششم شنیدم می فرمود پیش از قائم علیه السلام دو مرگ باشد. مرگ سرخ و مرگ سفید تا آن که از هر هفت تن پنج تن برود. مرگ سرخ با شمشیر است و مرگ سفید با طاعون.

این روایت اگرچه از جهت سند مشکلی ندارد اما فقط در کمال الدین و تمام النعمه، شیخ صدوق نقل شده و در هیچ منبع روایی نیامده است. البته این انحصار موجب ضعف روایت نخواهد بود اما نقل پر شمار آن در منابع معتبر می توانست حکایت از اقبال بزرگان شیعه به آن تلقی شود. ضمن این که مرگ سفید را به طاعون تفسیر و تطبیق کرده است (درباره وثاقت محمد بن حسن ر. ک: خویی، ۱۴۱۰: ج ۱۵، ۲۰۶؛ درباره وثاقت حسین بن حسن ر. ک: همان: ج ۵، ۲۱۲؛ درباره وثاقت حسین بن سعید ر. ک: همان: ج ۵، ۲۴۳؛ درباره وثاقت صفوان بن یحیی ر. ک: همان: ج ۹، ۱۲۳؛ درباره وثاقت عبدالرحمن بن حجاج ر. ک: همان: ج ۹، ۳۱۵؛ درباره وثاقت سلیمان بن خالد ر. ک: همان: ج ۸، ۲۴۵؛ ر. ک: آیتی، ۱۳۸۴: ۸۶).

بنابراین بر بیماری دیگری قابل تسری نخواهد بود مگر این که کسی ادعا کند بخش پایانی در تعریف مرگ سرخ و سفید از راوی است که دلیلی بر آن نداریم.

پس از آن شیخ مفید، با مضمونی متفاوت با اشاره به مرگ سفید از امیرمؤمنان علیه السلام این گونه نقل کرده است که:

مُحَمَّدُ بْنُ أَبِي الْبِلَادِ عَنْ عَلِيِّ بْنِ مُحَمَّدِ الْأُدِيِّ عَنْ أَبِيهِ عَنْ جَدِّهِ قَالَ قَالَ أَمِيرُ الْمُؤْمِنِينَ عليه السلام بَيْنَ يَدَيِ الْقَائِمِ مَوْتُ أَحْمَرٍ وَمَوْتُ أبيضٍ وَجَرَادٌ فِي حِينِهِ وَجَرَادٌ فِي غَيْرِ حِينِهِ كَالْوَأْنِ الدَّمِ فَأَمَّا الْمَوْتُ الْأَحْمَرُ فَالسَّيْفُ وَأَمَّا الْمَوْتُ الْأَبْيَضُ فَالطَّاعُونَ (مفید، ۱۴۱۳: ج ۲، ۳۷)؛

پیش از آمدن قائم علیه السلام مرگ سرخی است، و مرگ سفیدی، و آمدن ملخی در فصل آن و ملخی بی موقع به رنگ خون، اما مرگ سرخ شمشیر است (که به وسیله آن مردم را بکشند) و مرگ سفید طاعون است.

همین روایت را به طور کامل شیخ طوسی در کتاب *الغیبه* نقل کرده است (طوسی، ۱۴۱۱: ۴۳۸) و از دیگر کسانی که روایت را همانند شیخ مفید نقل کرده‌اند یکی: یوسف بن یحیی مقدسی (متوفای / ۶۵۸ق) در *عقد الدرر فی أخبار المنتظر* است با این تفاوت که به جای «القائم» «المهدی» آورده است (مقدسی شافعی، ۱۴۱۶: ۹۸).

و دیگری ابن صباغ مالکی در *الفصول المهمه فی معرفة الأئمة* است که وی با اندک تغییری نقل کرده است و آن تغییر این‌که به جای علی بن محمد الاودی، علی بن یزید الاودی نقل کرده است (ابن الصباغ، ۱۴۲۲: ج ۲، ۱۱۳۱).

پس از آن همه کسانی که روایت را نقل کرده‌اند براساس نقل شیخ مفید آورده‌اند (مانند: طبرسی، بی‌تا: ج ۲، ۲۸۱؛ اربلی، ۱۳۸۱: ج ۲، ۴۵۹؛ عاملی، ۱۴۲۵: ج ۵، ۳۵۲؛ موسوی اصفهانی، ۱۳۷۹: ج ۲، ۳۷۷). نتیجه این‌که تطبیق بیماری همه گیر کووید ۱۹ / کرونا بر مرگ سفید هیچ‌گونه مستند علمی نخواهد داشت. در پایان تأکید می‌شود:

افزون بر دستاویز شدن این‌گونه روایات سست برای مخالفان، هم‌چنین در بین مردم عامی نیز آثار تخریبی فراوانی خواهد داشت چه این‌که جایگزین معارف اساسی در ذهن آنها شده، آنها را از کسب معارف مطلوب دور خواهد کرد و گاهی نیز سبب پدید آمدن جریان‌های انحرافی و ادعاهای دروغین می‌شود.

به نظر می‌رسد یکی از دلایلی که به رواج این‌گونه تطبیق‌های نادرست کمک شایانی کرده بی‌توجهی برخی از بزرگان در برابر این پدیده و نبود نقدهایی شایسته درباره این ادعاها بوده است. که اگر مورد عتاب و سرزنش واقع می‌شدند شاید وضع مباحث مهدویت و به‌ویژه نشانه‌ها این‌گونه نبود. و البته یکی از اموری که این‌گونه نقل‌ها را در حاشیه امن قرار داده است اعتبار ظاهری برخی از نویسندگان و گویندگان این دست تطبیق‌ها است که سبب شده تا کسانی به نقد نپرداخته و یا ناقدان را سرزنش کنند.

نتیجه‌گیری

با توجه به اشکالات سندی و صدور روایات یادشده ظهوری برای این روایات در معنای مورد نظر منعقد نمی‌گردد و نمی‌توان به ظاهر این روایات پایبند بود.

افزون این‌که تطبیق آن بر هر پدیده‌ای از جمله شیوع بیماری کرونا، هیچ‌گونه وجه علمی ندارد. مخصوصاً این‌که آن از نشانه‌های نزدیک و در آستانه ظهور دانسته شده که لازمه آن

پدید آمدن برخی دیگر از نشانه‌ها است که درباره آنها نیز چنین توصیفی شده است. البته آنچه گفته شد هرگز به این معنا نیست که در آستانه و جریان قیام جهانی آن حضرت مرگ و میری وجود ندارد و یا این که پس از ظهور حضرت هیچ‌گونه جنگ و کشتاری رخ نمی‌دهد و حضرت بدون استفاده از شمشیر که کنایه از قدرت نظامی است، بی‌گمان جنگ آن حضرت با سردمداران کفر و نفاق خواهد بود؛ که به مخالفت با آن حضرت می‌پردازند و حضرت نیز همه آنها را با جنگ از سر راه برمی‌دارد.

منابع

قرآن کریم

۱. ابن اثیر، علی بن محمد (۱۳۹۹ق)، *النهاية في غريب الحديث والأثر*، بیروت، المكتبة العلمية.
۲. ابن الصباغ، علی بن محمد أحمد المالکی (۱۴۲۲ق)، *الفصول المهمة في معرفة الأئمة*، تحقیق: سامی الغریبی، قم، دارالحديث.
۳. ابن بابویه، محمد بن علی (۱۳۹۵ق)، *کمال الدین وتمام النعمة*، قم، دارالکتب الاسلامیه.
۴. ابن غضائری، احمد بن حسین (۱۴۲۲ق)، *رجال*، محقق: محمدرضا حسینی جلالی، قم: مؤسسه علمی فرهنگی دارالحديث.
۵. ابن منظور، محمد بن مکرم (۱۴۱۴ق)، *لسان العرب*، بیروت: دارصادر للطباعة و النشر.
۶. اربلی، علی بن عیسی (۱۳۸۱ق)، *کشف النعمة في معرفة الأئمة علیهم السلام*، تبریز، مکتبه بنی هاشمی.
۷. آیتی، نصرت‌الله (۱۳۸۴ش)، *سقیانی از ظهور تا افول*، قم، ثانی عشر.
۸. آیتی، نصرت‌الله (۱۳۹۰ش)، *تأملی در نشانه‌های حتمی ظهور*، قم: مؤسسه آینده روشن.
۹. حسنی، سید علی (۱۳۹۶ش)، «حکومت مهدوی برآیند کشتار وسیع یا فراهم شدن زمینه‌ها و ظهور حقیقت»، *فصل نامه مشرق موعود*، ش ۴۱.
۱۰. حلی، ابو محمد تقی‌الدین حسن بن (۱۳۹۲ق)، *رجال*، نجف اشرف: منشورات مطبعة الحیدریة.
۱۱. حلی، حسن بن یوسف (۱۴۱۷ق)، *خلاصة الاقوال*، قم، مؤسسه النشر الاسلامی، اول.
۱۲. خویی، سید ابوالقاسم (۱۴۱۰ق)، *معجم رجال الحديث*، قم، مرکز نشر آثار شیعه، اول.
۱۳. راوندی، قطب‌الدین (۱۴۰۹ق)، *الخراج والخراج*، قم، مؤسسه امام مهدی علیهم السلام.
۱۴. زبیدی، محمد بن محمد (۱۴۱۴ق)، *تاج العروس*، تحقیق: علی شیری، بیروت، دارالفکر.

للتباعة والنشر والتوزيع.

۱۵. زمخشری، محمود بن عمر (۱۴۱۷ق)، الفایق فی غریب الحدیث، بیروت، دارالکتب العلمیة.
۱۶. طبرسی، فضل بن حسن (بی تا)، إعلام الوری بأعلام الهدی، تحقیق: مؤسسة آل البيت علیهم السلام لإحياء التراث، قم، مؤسسة آل البيت علیهم السلام لإحياء التراث.
۱۷. طریحی، فخرالدین (۱۴۱۵ق)، مجمع البحرين، قم، مرکز الطباعة و النشر فی مؤسسة البعثه، اول.
۱۸. طوسی، محمد بن الحسن (۱۴۱۱ق)، کتاب الغیبة، قم، مؤسسه معارف اسلامی، اول.
۱۹. طوسی، محمد بن الحسن (۱۴۱۵ق)، رجال، قم، انتشارات اسلامی جامعه مدرسین.
۲۰. طوسی، محمد بن الحسن (بی تا)، الفهرست، نجف اشرف، مکتبة المرتضویه.
۲۱. عاملی، محمد بن حسن (۱۴۲۵ق)، اثبات الهداة بالنصوص والمعجزات، بیروت، اعلمی.
۲۲. فراهیدی، خلیل بن احمد (۱۴۰۹ق)، العین، قم، مؤسسه دارالهجره.
۲۳. کورانی، علی (۱۳۸۲ش)، عصر ظهور، ترجمه: عباس جلالی، تهران، امیرکبیر، ششم.
۲۴. گروهی از نویسندگان (۱۳۸۲ش)، چشم به راه مهدی علیهم السلام، قم، مرکز انتشارات دفتر تبلیغات اسلامی.
۲۵. متقی هندی، علی بن حسام الدین (۱۴۰۹ق)، کنز العمال، بیروت، مؤسسة الرسالة.
۲۶. مجلسی، محمد باقر (۱۳۸۶ش)، کتاب رجعت، قم، دلیل ما.
۲۷. مجلسی، محمد باقر (۱۴۰۴ق)، بحار الانوار، بیروت، مؤسسة الوفاء.
۲۸. مقدسی شافعی، یوسف بن یحیی (۱۴۱۶ق)، عقد الدرر فی اخبار المنتظر، تحقیق: عبدالفتاح محمد الحلو، قم، انتشارات نصایح.
۲۹. موسوی اصفهانی، سید محمد تقی (۱۳۷۹ش)، مکیال المکارم، ترجمه: سید مهدی حائری قزوینی، تهران: دفتر تحقیقات و انتشارات بدر، پنجم.
۳۰. نجاشی، احمد بن علی بن احمد بن عباس (۱۴۰۷ق)، رجال، قم، انتشارات جامعه مدرسین.
۳۱. نعمان (شیخ مفید)، محمد بن محمد بن (۱۴۱۳ق - الف)، الاختصاص، قم، کنگره شیخ مفید.
۳۲. نعمان (شیخ مفید)، محمد بن محمد بن (۱۴۱۳ق - ب)، الارشاد، قم، کنگره شیخ مفید.
۳۳. نعمانی، محمد بن ابراهیم (۱۳۹۷ق)، الغیبة، تهران، مکتبة الصدوق.

